

## ب - دامپروری

اقتصاد کشاورزی منطقه پس از زراعت متکی به دامپروری است و هر روستائی هم زمان با کارهای زراعتی در حدود امکان و احتیاج به دامپروری نیز اشتغال دارد. میزان پرورش دام در سراسر منطقه یکسان نیست و هر اندازه از مشرق به مغرب نزدیک شویم اهمیت آن افزایش می‌یابد. مهمترین عاملی که در پراکندگی پرورش دام دخالت دارد، وضع آب و هوا یعنی افزایش میزان و نحوه پراکندگی باران سالیانه از یکطرف و شکل ناهمواری و ارتفاع زمین از طرف دیگر است. پرورش دام برای اکثر روستائیان بیشتر به خاطر استفاده از لبنیات است و قسمت زیادی از فراورده‌ها، جنبه خودمصرفی دارد. زیرا همانطور که یاد آوری شد غذای اصلی مردم نان و دوغ است به همین جهت و با توجه به عوامل مساعد، حداکثر نیروی انسانی در مغرب به ویژه بخش دیواندره صرف زراعت و دامپروری شده در حالیکه افزایش عوامل نامساعد در مشرق، دامپروری را محدود ساخته بنابراین قسمتی از نیروی انسانی متوجه فعالیت‌های دیگر از جمله صنایع بافتنی دستی است که در مغرب اهمیت کمتری دارد.

استفاده از نیروی کار و فروش دام در درجه بعد قرار داد. قبل از اصلاحات ارضی چون اساس زراعت متکی به نیروی گاو بود، در پرورش آن نهایت کوشش به عمل می‌آمد. اما در حال حاضر با توجه به تحول سریعی که در جهت مکانیزه شدن کشاورزی صورت گرفته اهمیت آن روز به روز کاهش می‌باید. افرادی که فقط به خاطر فروش به پرورش دام اشتغال دارند فراوان نیستند. کشاورزان به صورتی محدود و انفرادی و اغلب هنگام احتیاج تن به فروش دام می‌دهند و در این صورت در درجه اول دامهای نر و سپس دامهای ماده نازا فروخته خواهد شد. به ندرت دامهای کوچکتر از یکسال به فروش می‌رسند. فروش همیشه در محل انجام می‌شود. زیرا علاوه بر معامله بین خود کشاورزان، خریداران و دوره گردانی نیز در منطقه

وجود دارند که شغل آنان جمع‌آوری دام و عرضه آنها به بازار شهرهای مجاور است.

روغن مهمترین فراورده دامی است که قسمت کمی از آن در منطقه مصرف شده و بقیه به فروش می‌رسد. در روستاهای مجاور شهر، شرایط طور دیگری است زیرا به دلیل وجود بازار نزدیک اغلب فراورده‌های دامی به فروش می‌رسند.

در سراسر منطقه مورد بحث طبق آمار سال ۱۳۴۵ بیش از ۶۰۰۰ رأس دام (۱) وجود داشته که به نسبت جمعیت در حدود دو برابر سهم متوسط در سطح کشور بوده است. «در سطح کشور در مقابل هر ۱۰ نفر ۱۶ رأس دام در منطقه مورد تحقیق در برابر ۱۰ نفر ۳۱ رأس دام وجود داشته است (۲)».

پرورش دام به روش ابتدائی و در حدود امکانات موجود منطقه انجام شده، اما استعداد منطقه در صورتیکه باروشی صحیح مورد بهره برداری قرار گیرد بدون شک بیش از این میزان خواهد بود. با توجه به احتیاج کشور به فراورده‌های دامی و برای جبران محدودیتهای طبیعی که در قسمت وسیعی از کشور به ویژه نواحی مرکزی وجود دارد، لزوم توجه به افزایش فعالیت دامپروری در منطقه مورد بحث کاملاً روشن است. هدایت و کمک مادی و معنوی دولت در درجه اول اهمیت قرار دارد. اگر در حال حاضر به نحوه گسترش فعالیت ساکنین منطقه در جهت توسعه زراعت دیم توجه شود، اهمیت دخالت سریع و مستقیم دولت در توجیه فعالیت‌های کشاورزی امری حیاتی است. زیرا ادامه این وضع به دلایلی که در زیر به اهم آن اشاره می‌شود، محدودیت‌های شدیدی از لحاظ تهیه گوشت و فراورده‌های دامی به وجود آورده و کاهش تدریجی فعالیت دامپروری را به دنبال خواهد داشت.

۱ - به‌طور معمول کشاورزان علاقه بیشتری به توسعه زراعت به ویژه غلات

دارند.

۱- این تعداد شامل گوسفند، بز، گاوگوساله، گاوکار و اسب و الاغ می‌باشد.

۲- آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵ و آمار وزارت کشاورزی سال ۱۹۷۰

۲ - دامپروری در درجه اول فقط به منظور رفع احتیاجات مصرفی خانواده است .

۳ - وجود زمستانهای طولانی و سخت، تهیه علوفه را برای تعداد دام بیشتر مشکل می‌سازد .

۴ - محدودیت چراگاههای طبیعی در جهت توسعه زمینهای دایر نه تنها توسعه دامپروری را محدود ساخته بلکه کاهش احتمالی آنرا نیز به دنبال داشته است .

۵ - عدم رعایت بهداشت و توسعه امراض گوناگون، افزایش تلفات را فراهم ساخته، به طوریکه در ورود و خروج به روستاهائی که از نزدیک مورد بررسی قرار گرفتند با اجساد متعددی از دامها به ویژه گوسفند برخورد می‌نمودیم .

۶ - استفاده بیش از حد و نامتناسب از چراگاههای محدود منطقه؛

**روش دامپروری -** قبلا یادآوری شد که دامپروری در منطقه، طبق سنت‌های موجود قدیمی باروش ساده انجام می‌شود . چون دامها از حداقل  $2/5$  تا حداکثر ۵ ماه در روستاها نگاهداری می‌شوند لذا شیوه نگاهداری و پرورش آنها را در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌دهیم .

الف - با در نظر گرفتن شرایط آب و هوائی اغلب دامها را در اواخر اسفند و یا اوائل بهار برای چرا به صحرا می‌فرستند . در هر روستا بسته به نوع دام و گاهی سن آنها، گله‌های متعددی وجود دارد که با در نظر گرفتن تعداد آنها در رعیت یک یا دو چوپان به چرا می‌روند . برای هر گله و شبانان همراه آنها در محل اصطلاحات خاصی وجود دارد .

اصولا گاو و اسب و الاغ دسته جداگانه‌ای به نام گآل (۱) (گاگل) تشکیل داده و شخص هدایت کننده گاو (۲) (گاو بان) نامیده می‌شود . مجموعه گوسفند و بز به نام ران (۳) و چوپان آن شوان (۴) (شبان) نام دارد . بسرای

۱- Gāāl

۲- Gāvān

۳- Rān

۴- Shoān

جلوگیری از مصرف شیر دامها وسیله نوزادان تا سه الی چهار ماهگی، گوساله‌ها بره‌ها و بزغاله‌ها در منزل نگاهداری شده و سپس در گله‌های جداگانه‌ای به چرا می‌روند. اصطلاح موجود در مورد گسله گوساله، گیوره گل (۱) و شخص مراقب گیوره‌لوان (۲) است.

گله بره و بزغاله، برغل ۳ و مراقب، برغله‌وان ۴ نسام دارد. حداکثر تعداد یک گله از ۰۰۰ رأس تجاوز نخواهد کرد و حد معمول در بیشتر نواحی ۲۰ تا ۳۰۰ رأس است. به همین دلیل چون تعداد انواع دامها در یک روستا بیش از حد معمول یک گله است، آنها را در دسته‌های جدا به صحرا روانه می‌سازند و بنابراین در یک روستا ممکن است ۲ یا چند گاآل و ران و گیوره گل و برغل وجود داشته باشد. در روستاها مبنای خاصی برای تقسیم گله‌ها وجود ندارد ولی اغلب خانه‌های مجاور یا محله‌های یک روستا گله‌های جداگانه‌ای دارند. محل چرای گاو بیشتر مناطق هموار و پر علف است و زمینهای ناهموار در اختیار گوسفند و بز می‌باشد. اغلب هنگامی گله‌های گوسفند و بز از مناطق هموار استفاده می‌نمایند که این نواحی طبیعتاً دارای علف کم و یا قبلا مورد استفاده گله‌های گاو قرار گرفته باشد. گله‌های هر روستا فقط در زمینهای متعلق به آن حق چرا دارند. اما اگر تجاوزی هم به محدوده روستاهای مجاور شده باشد ظاهراً مانعی نخواهد داشت. اصولاً چوپانان هر روز مسیر خود را به اطلاع اهالی می‌رسانند و هر روستائی در صورت لزوم می‌داند که دامهای مربوط به او در چه جائی به چرا مشغول هستند. محل چرا در اوائل بهار بیشتر کنار رودخانه‌ها و از اواسط تا اواخر تابستان در نواحی مرتفع و کوهستانی است. چون قسمت زیادی از علوفه زمستانی در مراتع طبیعی و مناطق کوهستانی حاصل می‌شود، این نواحی همیشه برای چرای گله‌ها ممنوع بوده و هیچ چوپانی دامها را به این مراتع هدایت نخواهد کرد، مگر اینکه

۱- Gevera gal

۲- Gevera lavān

۳- Barghal

۴- Barghalavān

علوفه آن چیده شده و به روستاها حمل شده باشد. گله‌ها در فصل بهار و تابستان از هم جدا بوده و چوپانان برای جلوگیری از برخورد اتفاقی حتماً باید از محل چرای سایر گله‌ها باخبر باشند. از اواسط پائیز گله‌های گوساله به گله‌های گاو ملحق شده و بره و بزغاله همراه بز و گوسفند به چرا می‌روند. بنابراین تعداد گله‌های یک روستا در فصول مختلف متفاوت می‌باشد.

شیر دامها هر ۲ ساعت ۲ بار دوشیده می‌شود. بار اول صبح زود قبل از خروج از روستا و بار دوم پس از مراجعت شامگاهی انجام می‌شود. در فصول گرم و در مشرق منطقه که دامها حتی برای استراحت شبانه به روستاها بازگردانده نمی‌شوند، زنان روستائی ظهرو شب برای دوشیدن شیر به محل تجمع دامها که اصولاً در مجاور دهکده‌ها می‌باشد رهسپار می‌شوند. در مورد اول زنان روستائی پس از دوشیدن شیر صبحگاهی دامها را جداگانه به محلی که از قبل در روستا برای هر گله در نظر گرفته شده هدایت می‌نمایند. اغلب مردان در هدایت دامهای خود به زنان کمک می‌کنند. چوپان قبل از همه در محل حاضر است و پس از اجتماع همه دامها از روستا خارج می‌شود. اغلب خروج گله‌های مختلف همزمان و یا یکی بعد از دیگری صورت می‌گیرد. اما تا دامهای ماده از روستا خارج نشده باشند، گوساله‌ها و بره‌ها و بزغاله‌ها را به محل اجتماع گله نخواهند برد. هر گله را حداقل یک چوپان و یک کمک چوپان که اغلب پسر بچه‌های ۱۰ الی ۱۵ ساله می‌باشند همراهی می‌نمایند. مزد کمک چوپان از طرف چوپان پرداخت شده و میزان سالیانه آن از معادل ۱۰۰۰ ریال تجاوز نخواهد کرد. مزد چوپان از طرف اهالی به‌طور روزانه و سالیانه به صورت جنس و نقد پرداخت می‌شود. هر چند در سراسر منطقه ممکن است میزان مزد و نحوه پرداخت آن اندکی اختلاف داشته باشد اما رویهم‌رفته روش مشابهی دارند. بدین معنی که اولاً هر روز پس از مراجعت به روستا چوپان و کمک چوپان به یکایک منازل روستائی مراجعه نموده و به نسبت تعداد دامهایشان یک یا حداکثر دوان دریافت می‌دارند. تا زمانی که گله‌ها در صحرا به

چرا می‌روند مزد روزانه پرداخت می‌شود. علاوه بر آن سالیانه چوپانان از هر خانواده مقداری گندم و روغن و پول نقد دریافت می‌دارند که نوع و نحوه پرداخت آن ممکن است از یک روستا به روستای دیگر متفاوت باشد. میزان گندم از ۳ تا ۳۰ من (هر من ۳/۷۵ کیلوگرم) و روغن از یک تا دو کیلو و پول نقد از ۵ تا ۲۰۰ ریال به نسبت تعداد و نوع دامها متفاوت می‌باشد.

اغلب میزان نانهای دریافتی بیش از مصرف خانواده چوپان است، در این حال یا آنرا به صورت قرض در اختیار خود روستائیان نهاده و یا به آنان می‌فروشند. در بعضی از روستاها به ویژه در غرب منطقه مزد روزانه چوپانان در تمام سال پرداخت می‌شود. چوپان حق استفاده از شیر دامها را دارد و صبحانه و نهار خود را از همین طریق تأمین می‌نماید. همیشه کاسه‌های بزرگی همراه دارند که به اندازه مصرف در آن شیر دوشیده و باروش خاصی گرم میکنند: از خاشاک صحرا آتشی افروخته و قطعه سنگ گردی به قطر ۱۰ الی ۱۵ سانتی متر در آن قرار می‌دهند. پس از گرم شدن سنگ آنرا در کاسه شیر نهاده و بدینوسیله آنرا گرم کرده اغلب همراه نان می‌خورند. چوپانان نهایت دقت و مراقبت را در مسورد دامها به کار برده و همیشه یک یا دو سگ همراه دارند که برای حراست گله از حمله حیوانات وحشی گوشتخوار به ویژه گرگ مسورد استفاده است. اگر تصادفاً دامی به هر علت در صحرا تلف شود، چوپان مجبور به پرداخت غرامت نیست. اغلب اتفاق می‌افتد که دام یا دامهایی از گله جدا شده و به روستا بازمی‌گردند، در این صورت اگر دام گوسفند یا بز باشد، صاحب آن همراه چوپان بلافاصله به جستجو خواهند پرداخت و اگر دام مفقود اسب یا گاو باشد اغلب جستجو به روز بعد موکول خواهد شد زیرا این حیوانات به تنهایی قادر به دفاع از خود در مقابل حیوانات وحشی گوشتخوار منطقه می‌باشند. در تیر و مرداد ماه هنگامیکه حرارت به حداکثر می‌رسد، گله‌ها ۱ الی ۲ ساعت در ظهر استراحت می‌نمایند. اگر گله نزدیک روستا باشد در مجاور آبادی و در غیر اینصورت درحاشیه رودخانه و یا

کنار چشمه‌ای توقف می‌کنند. اصطلاح مرسوم در این مورد، پچه (۱) است. شبانگاه بسته به شرایط آب و هوایی، دامها از اواخر خرداد تا اواسط شهریورماه هر سال در حیاط منازل نگاهداری می‌شوند.

ب - هنگامیکه هوا به تدریج سرد می‌شود، دامها شب را در زاغه‌ها و آغلها استراحت می‌نمایند. اما گله‌ها تا زمانیکه امکان چرا وجود داشته باشد همچنان به صحرا می‌روند و اغلب تا نزول اولین برف پاییزی این روال ادامه خواهد داشت. گاهی به علت شدت سرما قبل از ریزش برف، خروج گله‌ها متوقف شده و دامها در روستا باقی می‌مانند. همانطور که یادآوری شد هر خانواده در حدود توانائی، ذخیره معتدابهی از علوفه خشک در اختیار دارد که تغذیه روزانه از آن انجام می‌شود. ذخیره علوفه به دو صورت مشخص: طایه و انبار در منطقه مرسوم است. طایه ویژه منطقه غربی (بخش دیواندره و حاشیه غربی شهرستانهای بیجار و قروه) و انبار مخصوص مناطق شرقی است. هر جا که علت ذخیره علوفه به این دو صورت سؤال می‌شود، بیشتر شرایط آب و هوایی و باران را دلیل اصلی می‌دانستند در حالیکه باران ناحیه غربی از ۰.۵ تا ۱.۰ میلیمتر بیش از نواحی شرقی است و اگر نزول باران علت اصلی بود می‌بایست برعکس آنچه که معمول است ذخیره علوفه به شکل طایه در مشرق و انبار در مغرب مرسوم باشد، پس علت را باید در مسائل انسانی و روابط گذشته بین ساکنین جستجو کرد. آنچه که به نظر نگارنده می‌تواند عامل این اختلاف باشد روابط گذشته قبائل عشایری غرب منطقه با روستائیان شرقی بوده است. اگر تاریخ چند دهه اخیر را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که نتیجه زحمات روستائیان نواحی شرقی همیشه دستخوش تجاوزات عشایر مناطق غربی بوده است. آنچه را که روستائیان در یکسال کوشش و زحمت بدست می‌آوردند، در یک یا چند هجوم محلی به تاراج می‌رفت و هستند کسانی که هنوز شاهد آتش‌سوزی‌ها، کشتارها و غارت‌ها بوده‌اند. کوچکترین مقاومت روستائیان عکس‌العمل شدید قبائل مناطق

غربی را به دنبال داشت که از آنجمله آتش زدن ذخیره علوفه از ساده‌ترین و رایج‌ترین این کارها بوده است. به همین جهت وبه منظور احتیاط، روستائیان بی‌دفاع مشرق منطقه مورد تحقیق علوفه را انبار نموده و دریاچه خارجی آنرا نیز مسدود می‌ساختند. تنها راه وصول به داخل انبارها از طریق حیاط و یا حتی از راه انبار خانواده میسر است. ولی در مغرب، قبائل عشایری بدون ترس از تجاوز دیگران همان سنت گذشته را رعایت می‌کنند. بنابراین با مشاهده نحوه ذخیره علوفه و مواد سوختنی به آسانی مناطق عشایری از سایر مناطق روستائی قابل تمیز است. هرچند که در نزاعهای بین قبایل اغلب آتش زدن علوفه‌ها مرسوم بوده، اما از ترس انتقام، کمتر به این کار اقدام می‌شده است. لذا برای آشنائی بیشتر با هردو روش ذخیره علوفه، جداگانه آنها را بررسی می‌کنیم.

۱- انبار - از اجزاء اصلی مساکن روستائی در مشرق منطقه مورد تحقیق می‌باشد.

چهار دیواری ساده سقف‌داری است که تشخیص آن از سایر اجزاء مسکن خالی از اشکال نیست. اما اغلب دارای حجم بیشتر و ارتفاع زیادتر نسبت به سایر اتاقهای مسکونی است. چون سقف آن هم‌تراز سایر اجزاء واحد مسکونی است بنابراین در بیشتر موارد کف آن پائین‌تر از حیاط و سایر اتاقها می‌باشد. ذخیره برداشت علوفه از راه دریاچه‌های جداگانه‌ای انجام می‌شود. دریاچه‌هایی که در قسمت فوقانی دیوار به سمت کوچه و یا در سقف انبار وجود دارند مخصوص ذخیره علوفه و دریاچه برداشت در مجاور کف، داخل حیاط و یا اتاقی تعبیه شده است. پس از خاتمه کار دریاچه‌های ذخیره باخشت، چوب و گل مسدود شده و دریاچه برداشت نیز وسیله چوب و خاشاک به ویژه بوته‌های خاردار تا هنگام احتیاج بسته می‌شود. منشأ تهیه علوفه در درجه اول نباتات خودرو و سپس یونجه و شبدر است که در مجاور روستاها کاشته می‌شود. گاه به نوبه خود اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد که مقدار کمی از آن به مصرف بنائی رسیده و بقیه در انبارهای جداگانه ذخیره



می‌شود. اما هنگام استفاده مخلوطی از هر دو انبار به مصرف روزانه دامها می‌رسد.

در روش ذخیره علوفه مراحل مختلفی وجود دارد که به ترتیب به آنها اشاره می‌شود. پس از چیدن و بسته‌بندی نباتات خود رو، آنها را مدتی در محل نگاه می‌دارند تا اندکی خشک شود. سپس بسته‌های علوفه را سابقاً وسیله الاغ و در حال حاضر گاهی با ماشین به خرمنگاه مجاور روستا می‌آورند. پس از آنکه گیاه کاملاً خشک شد، وسیله چهارپایان (گاو، الاغ و اسب) به همان ترتیبی که خوشه‌های گندم کوبیده می‌شد، علوفه نیز خورده شده و سپس وسیله توری‌های مخصوصی که در محل بافته شده جهت ذخیره به روستا حمل می‌شود. در مورد یونجه و شبدر مراحل اولیه یکسان است اما خشک شدن کامل و کوبیدن آن اغلب در محل کشت انجام شده و سپس به روستا آورده می‌شود.

کار تغذیه دامها در سراسر منطقه به عهده زنان و کودکان است و چون در مناطق شرقی علوفه قبلاً خورده شده، برعکس مناطق غربی، مردان به ندرت در انجام آن دخالت دارند. هر روز به اندازه مصرف هر آغل یا زاغه با توجه به تعداد دامها در دونویت صبح و بعد از ظهر در سبدهای مخصوصی که در خود محل از شاخه‌های بید بافته شده، به دامها علوفه داده می‌شود. البته قبل از شروع تعلیف استراحتگاه دامها وسیله زنان تمیز شده و مواد زائد چه فضولات حیوانی و چه بقایای علوفه از محل خارج می‌شود.

۲- طایه - یکی از مشخصات روستاهای عشایر نشین غرب منطقه، توده‌های علوفه مکعب یا استوانه شکلی است که تاجی مخروطی بر سر دارند و چون ستونهای بزرگ مرتفعی به‌طور پراکنده در سراسر روستا به چشم می‌خورند. همیشه از بلندترین بناهای روستا مرتفع‌تر است و در اصطلاح منطقه طایه نام دارد. هر خانواده دارای یک طایه و به ندرت ممکن است دو طایه داشته باشند. ارتفاع متوسط آن در حدود

۱. متر وسط قاعده نیز در حدود ۱ مترمربع است. ( طایه کوچکتر یا بزرگتر نیز ممکن است وجود داشته باشد).

در خارج از حیاط چهاردیواری ساده‌ای باخشت یا کلوخه به ارتفاع ۱/۵ تا ۲ متر بنا شده که یکی از دیوارها با دیوار حیاط مشترک است و دریچه برداشت علوفه به شکل مربع و ضلع حداکثر ۱ متر در آن تعبیه شده است.

این چهار دیواری محل ذخیره علوفه زمستانی دامها می‌باشد. ابتدا داخل چهار دیواری از علوفه خشک انباشته شده و سپس بسته‌های علوفه را طوری رویهم قرار می‌دهند که در حدود  $\frac{1}{4}$  آن به صورت سایبانی خارج از دیوار باشد. اغلب قسمت مرکزی برای علوفه‌های خرد شده خالی می‌ماند. هر اندازه ارتفاع طایه افزایش یابد به تدریج از قطر آن کاسته شده و بالاخره همانطور که یادآوری شد به خاطر اینکه علوفه از باران‌های فصول سرد درآمان باشد: اولاً قسمت فوقانی را مخروطی شکل پایان داده و ثانیاً علوفه‌ایکه در این قسمت نهاده شده دارای ساقه‌های بلند است و دنباله آن سایبان محدودی برای حفظ علفهای زیرین به وجود می‌آورد. در مواردی که ارتفاع دیوار کوتاه باشد برای جلوگیری از مصرف علوفه وسیله دامها هنگام ورود یا خروج از روستا، دورتا دور طایه را بانواری از بوته‌های خاردار می‌پوشانند. این عمل به دو صورت انجام می‌شود: یا ساقه بوته‌های خار را به‌طور مستقیم بین بوته‌های خشک علوفه فروبرده و یا بوته‌ها را در چند ردیف متوالی باطناب به دور طایه می‌پیچند.

هنگام استفاده از طریق دریچه تحتانی به تدریج بسته‌های علوفه خارج شده و در همانجا وسیله داس خورد شده و برای مصرف آماده می‌شود. آماده‌ساختن علوفه جزء وظایف مردان است و حمل آن به زاغه بیشتر وسیله زنان یا کودکان انجام می‌شود.

پرورش طیور به صورت ابتدائی بدون استثناء در سراسر منطقه جزئی از ارکان زندگی روستائی است اما از لحاظ اقتصاد خانواده‌گی اهمیت چندانی ندارد، پرورش

آن از وظایف زنان و کودکان و بیشتر جنبه خود مصرفی دارد. مرغ و خروس فراوان ترین و در درجه بعد بوقلمون قرار دارد. در روستاهای دره‌ای و نقاطی که آب به‌طور نسبی فراوان است پرورش مرغابی نیز رواج دارد.

**ماهی‌گیری** - رود قزل اوزن و شاخه‌های مهم آن که در خشک‌ترین و گرم‌ترین ماههای سال دارای آب دائمی است، نه تنها برای آبیاری بلکه از لحاظ پرورش ماهی می‌تواند اهمیت فراوانی داشته باشد. به علت خصوصیات سیلابی، این رودخانه‌ها در فصول بارانی و ذوب برف، چاله‌های متعدد کوچک و بزرگی در بستر رود ایجاد می‌شود که در فصل کم‌آبی پناه‌گاه مساعدی برای ماهیها به حساب می‌آید. رودخانه‌های منطقه بطور طبیعی از لحاظ انواع ماهی‌غنی است. اغلب در فصل تابستان به خاطر کاهش میزان آب در داخل گودالها موفق به صید ماهی‌هایی شده‌اند که وزن آن از ده کیلو متجاوز بوده است.

در بحث آب‌وهوا اشاره شد که رگبارهای تابستانی اغلب سبب طغیان رودخانه‌ها شده و خسارات قابل توجهی به بارمی‌آورند. همیشه بعد از هر طغیان در داخل گل‌ولای مجاور بستر اجساد هزاران ماهی بزرگ و کوچک دیده می‌شود که قسمتی از آن بلافاصله وسیله ساکنین روستاهای مجاور جمع‌آوری شده و بقیه طعمه پرندگان گوشتخوار محلی است. با توجه به گسترش کشت دیم به ضرر چراگاههای طبیعی و در نتیجه محدودیت احتمالی پرورش دام، پرورش و تکثیر ماهی با در نظر گرفتن امکانات طبیعی می‌تواند اهمیت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. متأسفانه ساکنین منطقه علاقه چندانی به صرف ماهی ندارند و جز به صورت اتفاقی و به خاطر تفریح به صید ماهی مبادرت نمی‌شود.

در مرداد ماه سال ۱۳۵۰ در شهر قروه، نگارنده به روستاییانی برخورد نمود که در گوشه و کنار خیابان اصلی شهر به فروش ماهی اشتغال داشتند. پس از تحقیق معلوم شد این ماهیها قربانی سیلابهای فصلی منطقه شده‌اند و چون در روستاها مصرف چندانی نداشته برای فروش در شهر عرضه شده‌اند.

در فصل زمستان و اوائل بهار همراه طغیانهای شدید، تعداد زیادی ماهی از منطقه خارج شده ولی باوجود این هنوز در فصل آرامش، رودها مملو از ماهی های مختلفی است. صید تفریحی ماهی به صور مختلفی در منطقه انجام می شود که رایج ترین آنها به شرح زیر است :

**صید با پیکان** - این روش وسیله بزرگسالان انجام شده و ویژه شبهای تابستان است. وسائل کار شامل دو یا چند چراغ زنبوری و یک یا چند پیکان فلزی دو یا سه شاخه با دسته چوبی است و همانطور که گفته شد بیشتر جنبه تفریحی دارد. محل صید حاشیه گودالهای عمیق یا فواصل بین آنها است. ماهی های بزرگ که در تاریکی شب به خاطر احساس امنیت بیشتر به نقاط کم عمق می آیند، طعمه این صیادان خواهند بود. روستائینی که در این کار مهارت دارند، مسلح به نیزه، آرام و بی صدا در نقاط کم عمق به جستجو پرداخته درحالی که دو نفر با چراغ زنبوری در کنار آنان حرکت می کنند. نور چراغها نه تنها کف رود را روشن ساخته بلکه صیادان را از دید ماهی ها پنهان می سازد. در چنین شرایطی صید ماهی به آسانی امکان پذیر است. این کار تفریحی ممکن است ساعتها ادامه داشته و در طول تابستان وسیله روستائیان مجاور رودخانه ها انجام شود.

**صید با سبد** - این روش مخصوص کودکان روستا به ویژه چوپانان خرد سالی است که اغلب گله ها را برای استراحت به کنار رودخانه ها می آورند. وسیله صید سبدی است که از شاخه بیدباخته شده و در روستاها برای جمع آوری زباله و علوفه مورد استفاده می باشد. در حاشیه گودالها اغلب نیزارهای متراکمی وجود دارد که پناه امنی برای ماهیها است. کودکان روستائی در فصل گرم برای آب تنی به این گودالها هجوم می آورند، در نتیجه ماهی ها به حفره های جدار رودخانه و داخل نیزارها پناه می برند. در این حال یکی از کودکان، سبد را داخل آب در گوشه ای از نیزار طوری قرار می دهد که دهانه گشاد آن متوجه نیزار است. سایر کودکان دسته جمعی با هیاهو و حرکات دست و پا، ماهی ها را به سوی سبد می رانند و به تدریج

حلقه محاصره را تنگ‌تر می‌کنند. اغلب در هر مرحله چندین ماهی صید می‌شود. پس از خارج کردن سبد از آب، ماهی‌های بزرگ را انتخاب نموده و ماهی‌های کوچک را به آب برمی‌گردانند. اگر میزان صید قابل توجه باشد علاوه بر مصرف خود بقیه را به روستا می‌برند.

**صید با دست** - چون یکی از تفریح‌های مهم تابستانی روستائیان آب‌تنی در رودخانه‌ها است، بنابراین اکثر ساکنین مجاور رودخانه‌ها شناگران ماهری هستند. صید ماهی با دست مخصوص جوانانی است که کم‌وبیش در شنا مهارت یافته و از ۱۵ سال به بالا به این کار مبادرت می‌ورزند. در فصل کم‌آبی، گودالهای متعدد بستر، زندانهای محدودی است که ماهی در آن محکوم به زندگی است. جوانان که در تابستان برای آب‌تنی به رودخانه‌ها می‌آیند، برای تکمیل سرگرمی و نشان دادن مهارت خود در شنا، در حفره‌ها و شیارهای جدار گودال به جستجوی ماهی می‌پردازند. چون گودالها محدود و اغلب تعداد شناگران بیش از گنجایش آن است، ماهی‌ها به حفره‌ها پناه برده و امکان صید را برای صیادان جوان میسر می‌سازند. این کار به صورت انفرادی انجام شده و صید ماهی بزرگتر، افتخاری برای صیاد است. اغلب این گودالها در پیچ و خم بستر، جائیکه شدت فرسایش کاوشی در یک جدار بیش از جدار مجاور بوده به وجود آمده است. سستی نسبی قسمتی از لایه‌های جدار رود، پیدایش حفره‌های متعددی را سبب شد است. این سوراخها پناهگاه ماهیها هنگام شنای روستائیان جوان است. *رساله جامع علوم انسانی*

طریقه صیدباین ترتیب است که روستائیان به‌طور پراکنده در گودال به‌شنا پرداخته تا نافع خروج ماهی از حفره‌ها شوند. یکی از شناگران که در خارج منتظر است خود را به داخل آب انداخته به زیر آب می‌رود و در حفره‌ها به جستجوی ماهی می‌پردازد. اغلب اگر بخت با صیاد یاری نموده و ماهی در حفره‌ای بن‌بست پنهان شده باشد به آسانی صید شده و شناگر خوشحال و مغرور آنرا به سطح آب آورده و به دوستان خود نشان می‌دهد.

**صید با قلاب** - ویژه شهرنشینانی است که برای گذراندن تعطیلات به روستاها می‌آیند. هرچند جوانان روستائی کم‌وبیش با این روش آشنائی دارند، اما به خاطر اینکه وسائل اولیه آنرا در اختیار نداشته و بازده کمتری نسبت به روشهای متداول خود آنان دارد، علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهند. از طرف دیگر این روش بیشتر به خاطر سرگرمی و وقت‌گذرانی است و اغلب با صرف ساعتها وقت در سکوت و آرامش بدون نتیجه خواهد بود. درحالیکه تفریح روستائیان بیشتر با هیجان و جنب‌وجوش همراه است و به همین دلیل صید با قلاب طرفدار فراوانی ندارد.

**صید با مواد منفجره** - این روش ناپسند هدیه شهرنشینان بی‌خبری بوده که برای یک لحظه تفریح و سرگرمی خسارات غیرقابل جبرانی به بار می‌آورد. صید با مواد منفجره بیشتر در مجاور شهرها و خطوط اصلی ارتباطی رایج بوده و خوشبختانه در حال حاضر به حداقل ممکن رسیده است. هرچند مقررات شدیدی این عمل را منع می‌نموده اما عده‌ای دور از چشم قانون‌گاہ و بیگاہ به این کار ببادرت ورزیده و ظاهراً روستائیان نیز به آن بی‌علاقه نبوده‌اند. توجه به حفظ منابع طبیعی از طرف دولت بیش از پیش در این محدودیت دخالت داشته و حتی جرائم سنگینی نیز برای مرتکبین در نظر گرفته شده است. اگر روستائیان به اهمیت ماهی در امر تغذیه آگاهی یافته و به مصرف آن علاقه‌مند شوند، خود بزرگترین حامی و نگهبان این منبع بزرگ غذایی خواهند بود.

**امکان پرورش ماهی** - یکی از منابع غذایی مهمی که باید در آینده مورد توجه بیشتری قرار گیرد، پرورش و تکثیر ماهی است. مسلماً مشکلاتی در این راه وجود دارد، اما برای حداکثر استفاده از منابع طبیعی موجود، یکی از ساده‌ترین و شاید بهترین راه‌ها ترغیب مردم به پرورش ماهی و استفاده از این ماده غذایی است. اصولاً ساکنان مناطق خشک و نیمه خشک با توجه به شرایط طبیعی، علاقه‌ای به استفاده از ماهی ندارند. کما اینکه هنوز در شهرهای مرکزی ایران آنطور که باید مورد استقبال مردم قرار نگرفته است. وجود خشک‌سالیهای نسبی، محدودیت

چراگاهها و عدم توسعه روشهای جدید دامپروری در سطح کشور لزوم ایجاد مراکز پرورش و تکثیر ماهی را در مناطق مستعد آشکار ساخته است. تغییر سیستم بهره برداری در امر کشاورزی، نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای را در سطح روستاها آزاد ساخته، باین جهت هم‌زمان با توسعه مراکز موجود وسایر فعالیتهای اقتصادی باید از این نیرو در راه توسعه هرچه بیشتر صنعت پرورش ماهی استفاده شود. علاوه بر دریاها و مرزی و بعضی از دریاچه‌های داخلی، رودخانه‌ها نیز به نوبه خود و به‌طور طبیعی مراکز مهمی از لحاظ توسعه این صنعت به‌شمار می‌آیند. قدر مسلم منطقه مورد تحقیق بادر نظر گرفتن پراکندگی شبکه‌آبهای دائمی و وجود انواع ماهیهای فلس‌دار محلی، یکی از مراکز مستعد این صنعت خواهد بود. ایجاد مراکز متعدد در طول شاخه‌های اصلی و آشنائی ساکنین بانحوه پرورش ماهی زیر نظر مرییان فن و با هزینه کم، منابع غذایی قابل ملاحظه‌ای در اختیار مردم قرار خواهد داد. احتیاج به مواد پروتئین‌دار و توسعه مصرف، رونق این صنعت را تضمین می‌نماید.

**۲- صنایع دستی -** در گذشته به علت عدم مراوده دائمی با مراکز شهری، روستائیان در حد امکان قسمتی از احتیاجات خود را شخصاً تهیه می‌نمودند. دلیل این کار شاید بیشتر ناشی از کمبود خطوط ارتباطی و فقدان وسائل حمل و نقل سریع و سپس استفاده از مواد اولیه‌ای بود که خود روستائی تهیه‌کننده آن به حساب می‌آمد. بنابراین جز در موارد لزوم و برای خرید وسائلی که امکان تهیه آن در محل وجود نداشت از منطقه خارج نمی‌شدند.

هم‌زمان با فعالیتهای کشاورزی، صنایع دستی نیز به‌صورت مختلف در منطقه رایج و بسته به امکانات طبیعی در سطوح مختلفی گسترش یافته است. گاهی صنایع دستی از لحاظ اهمیت اقتصادی بلافاصله بعد از کشت و زرع مقام دوم را احراز نموده و زمانی فقط جوابگوی قسمتی از احتیاجات روستائیان است.

از مهمترین رشته‌های صنایع دستی، صنایع بافتنی است که در درجه اول اهمیت قرارداد و انواع مهم آن شامل، قالی، قالیچه، سجاده، گلیم، جاجیم،

نمد، پلاس (بر)<sup>۱</sup> توری (رشکه)<sup>۲</sup> طناب (گوریس)<sup>۳</sup>، دستکش، جوراب، شب کلاه و کیسه حمام است. علاوه بر مصارف خانوادگی بعضی از رشته های این صنعت بسته به نوع مرغوبیت دارای ارزش اقتصادی قابل ملاحظه ای است که در بیشتر شهرهای ایران شناخته شده و بازار فروش مناسبی دارد.

مهمترین شاخه از صنایع بافتنی: قالی، قالیچه و سجاده است. با توجه به آمار سرشماری سال ۱۳۴۵ جمعاً ۱۵۲۷ کارگاه قالیبافی در منطقه وجود داشته که شهرستان بیجار با ۱۴۳۶ دستگاه (۹۴٪) در درجه اول اهمیت و سپس شهرستان قروه با ۸۹ کارگاه (۵/۸۷٪) در درجه بعد قرار دارد. در اثنای آمارگیری دربخش دیواندره فقط ۲ کارگاه در دهستان هوه تو وجود داشته است. بنابراین گسترش صنایع قالیبافی در شهرستان بیجار دارای آنچنان اهمیتی است که باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به محدودیت زمان تحقیق، اظهار نظر در مورد کاهش و یا افزایش تعداد کارگاهها در حال حاضر در این نوشته مشگل است، چون قسمتی از آنها متعلق به مالکین سابق بوده که در زمان بررسی منطقه وجود نداشته ولی در مقابل کارگاههای جدیدی نیز در سالهای اخیر وسیله خود روستائیان دائر شده است. شرکت فرش برای حمایت از این صنعت، مرکزی در شهر بیجار تأسیس نموده است. نوع مرغوب قالی و قالیچه های این شهرستان بانقش بیجاری در سراسر ایران شهرت خاصی دارد. علاوه بر قالیه های بزرگ، انواع قالی و قالیچه در شهرستان بیجار بافته می شود که به دو دسته اصلی، باریکه<sup>۴</sup> و خرسک<sup>۵</sup> تقسیم می شود. دو نوع از قالیه های باریکه به اسامی کناره و میان فرش در سابق شهرت فراوانی داشته اما در حال حاضر به ندرت تهیه و عرضه می شود. هر چند تعداد قالی و قالیچه باریکه به مراتب کمتر از قالیچه های خرسک است اما نوع اول از لحاظ ارزش اقتصادی

---

۱- Barr

۲- Rashkah

۳- Goreis

۵- Khersak

۴- Bārikah



اهمیت فراوان تری دارد. قالی و قالیچه در سراسر منطقه با کارگاههای عمودی بافته شده و اصولاً کارگاه افقی وجود ندارد.

ارقام زیر پراکندگی کارگاههای قالیبافی شهرستان بیجار را نشان می‌دهد. دهستان پیرتاج ۶۴ کارگاه، دهستان حومه ۹۱ کارگاه، دهستان خسروآباد ۳۹ کارگاه، دهستان سیاه منصور ۲۶ کارگاه، دهستان سیلتان ۴۹ کارگاه، دهستان گاوبازه ۱۱۹ کارگاه، دهستان کرانی ۷۳ کارگاه و دهستان نجف‌آوا ۳ کارگاه.

اولین و مهمترین نتیجه‌ای که از ارقام فوق حاصل می‌شود، کاهش نسبی تعداد کارگاهها از شرق به غرب شهرستان بیجار است. علاوه بر قالی و قالیچه مرغوب‌ترین نوع سجاده، گلیم و نمد منطقه، در شهرستان بیجار تهیه می‌شود. یکی دیگر از کارهای دستی مشهور شهرستان بیجار کیسه حمام است که مرکز تهیه آن در دهستان پیرتاج، روستای حسن‌آباد یا سوکند می‌باشد.

در شهرستان قروه، قالیچه، سجاده، گلیم، نمد و... تهیه می‌شود، اما از شهرت و مرغوبیت اجناس مشابه خود در شهرستان بیجار برخوردار نیستند. در این شهرستان نقش ویژه‌ای وجود ندارد اما با مهارتی خاص از نقش قالیه‌های همدان، بیجار و سنندج و ترکیب آنها استفاده می‌شود. پراکندگی تعداد کارگاهها در دهستانهای این شهرستان به شرح زیر است:

دهستان ئیلاق (لیلاخ) ۲۶ کارگاه، دهستان اسفندآباد، ۲۱ کارگاه، دهستان چهاردولی (چرداوری) ۴۲ کارگاه؛ در دهستان لک حتی یک کارگاه هم وجود ندارد.

در سراسر منطقه مورد تحقیق علاوه بر صنایع فوق، پلاس، طناب، توری، دستکش، جوراب، شب کلاه و جاجیم نیز تهیه می‌شود که بیشتر مصرف منطقه‌ای دارد و به ندرت جهت فروش به خارج از استان صادر می‌شود.

ارتباط بیش از پیش روستائیان با شهرها و عرضه اجناس مشابه نخعی و نایلونی در بازار با قیمت‌های ارزان به تدریج از رونق این صنایع کاسته و حتی بعضی از آنها را به دست فراموشی سپرده است. گویانکه جنس و مقاومت این وسائل با آنچه که در سابق وسیله خود روستائیان تهیه می‌شد قابل مقایسه نیست اما روزه روز علاقه کشاورزان به تهیه این وسایل از بازار آزاد فزونی می‌یابد.

**یادآوری -** قبلا در مورد میزان ونحوه کار کشاورزان و تقسیم کار بین زن و مرد بررسی مختصری به عمل آمده و به بیکاری روستائیان مرد در طول سال اشارتی رفته است.

قبل از اصلاحات ارضی و در شرایط عادی، زنان عهده دار حداکثر کارها بوده و مردان بیشتر در خسارج از روستا فعالیت داشتند. مکانیزه شدن کشاورزی بعد از اصلاحات ارضی نه تنها کوچکترین تأثیری در تعادل منطقی این تقسیم غیر عادلانه نداشت، بلکه در سطحی وسیع فعالیت کشاورزی مردان را کاهش داده و در حقیقت بیکاری پنهانی آنانرا بیش از پیش افزایش داده است. متأسفانه با توجه به سنت‌های حاکم بر جامعه روستائی که انجام کارهای مربوط به زن را وسیله مردان «ننگ بزرگی؟» می‌داند و با در نظر گرفتن این مسئله که هیچ مردی در شرایط عادی تن به چنین ننگی نمی‌دهد. کمک و همکاری مردان در رفع کارهای داخل خانه عملاً غیر ممکن شده است.

صنایع بافتنی جزئی از فعالیتهای کمرشکن روزانه زنان و دختران روستائی است. لذا به علت کثرت کار و به ویژه عرضه بعضی از کالاهای مشابه به قیمت مناسب در بازار، روزه روز دامنه آن محدودتر شده و از لحاظ کیفیت در سطح پائین تری قرار گرفته است.

قدر مسلم دولت با صنعتی نمودن کشور در صدد جذب نیروهای آزاد شده مردان روستائی در سطح مملکت است. اما پیاده کردن این طرح با توجه به امکانات طبیعی و پراکندگی جغرافیائی آن مستلزم، سرمایه هنگفت، تربیت کادر فنی

و مهمتر از همه زمان لازم در تحقق بخشیدن به این هدف است.

می‌دانیم که در سراسر روستاهای ایران صنایع دستی سنتی کم و بیش رایج بوده و هنوز در بسیاری از موارد علاوه بر رفع احتیاجات خانوادگی عده زیادی از این راه امرار معاش می‌نمایند. آیا تجدید حیات همین صنایع به صورتی تازه و با استفاده از امکانات فنی موجود و کمک و هدایت دولت نمی‌تواند به سرعت در جذب قسمتی از این نیرو مؤثر باشد؟

در بسیاری از مناطق ایران مردان دوش به دوش زنان در کارگاههای صنایع بافتنی دستی فعالیت دارند و حتی مردان روستائی در مناطق مرکزی ایران هنگام بیکاری به بافتن جوراب، دستکش، شال، کلاه و... مشغولند. آیا بانسان دادن فیلم‌های آموزنده و راهنمایی کافی وسیله سپاهیان دانش، بهداشت، ترویج و آبادانی و... نمی‌توان در منطقه مورد تحقیق و یا مناطق مشابه، برای سنت غلبه کرد و مردان را در این فعالیت مهم اقتصادی شرکت داد؟ اگر یادآوری شود که مردان روستائی کرد در تهیه گیوه‌های بافته شده محلی سهم بسزائی دارند، چرانباید در سایر فعالیت‌ها بافتنی دستی شرکت داشته باشند؟ اگر تهیه یک وسیله بافتنی دستی برای آنان اشکالی ندارد، چرا سایر وسائل و لو مورد احتیاج شخص او نباشند باید مایه ننگ باشد؟

جذب نیروی آزاد شده مردان روستائی در صنایع دستی منطقه با سازمانی جدید نه تنها از بیکاری آنان که عواقب اجتماعی و خیمی در بردارد، جلوگیری می‌نماید بلکه تجدید حیات آنرا سبب شده و در اقتصاد منطقه تأثیر فراوانی خواهد داشت.

مسئله مهم دیگر بررسی کیفیت این صنایع است. در گذشته به خاطر استفاده از رنگهای گیاهی و دقت و ریزه کاری کارگران در بافت کالاهای مختلف، دوام، ثبات رنگ و زیبایی نقش آنها از مرغوبیت فراوانی برخوردار بوده و بازار فروش مناسبی داشته است. اما در حال حاضر کالاهای بافتنی دستی به علت استفاده از

مواد اولیه نامرغوب ، عدم دقت دریافت ، استفاده از نخ و استعمال رنگهای مصنوعی ، سیرقهقرائی پیموده و به تدریج تقاضای سابق را از دست داده است . تهیه بعضی از کالاها به دست فراموشی سپرده شده و یا از حد مصارف خانوادگی تجاوز نمی کند .

در سابق همانند زمان حال به ویژه در مورد قالی ، قالیچه و سجاده ، کودکان رل مهمی به عهده داشته و با هدایت یک مربی در ایجاد و گسترش این هنر مشارکت داشته اند . دخالت دولت در وضع بهداشتی کارگاهها بسیار مؤثر بوده است . هر چند شرکت کودکان کم سن در فعالیت های قالیبافی منع شده ، مع هذا ، به علت علاقه خانواده کارگر و منافع کارفرما هنوز تعداد این کودکان در کارگاهها قابل ملاحظه است . کارگران حتی خود مربی مزدناچیزی دریافت می دارند .

با احتساب کلیه هزینه های لازم ، سود فروش در قالیهای نامرغوب ، در حدود صد درصد و برای کالاهای مرغوب بیش از ۲۰۰ درصد است ، اما طول مدت تهیه ، ارزش اقتصادی آنرا کاهش می دهد ، ولی اگر بیکاری و وقت آزاد روستائیان را در نظر بگیریم مسئله زمان اهمیت فراوانی نخواهد داشت و تهیه هر نوع کالا در اقتصاد خانواده مؤثر خواهد بود .

غیر از صنایع بافتنی ، صنایع ساده دیگری که برای رفع احتیاجات روزمره آنان ضرورت داشته به همان صورت ابتدائی در منطقه رایج است . چون دامپروری جزء انفکاک ناپذیر اقتصاد روستائی است ، بنابراین یکی از ارشته ها ، تهیه وسائل تغییر شکل فراورده های دامی است که مهمتر از همه میتوان به تهیه مشک از پوست گوسفند یا بز پس از دباغی به صور مختلف: برای حمل آب (فقط در جنوب شرقی منطقه) برای تهیه دوغ و جدا کردن کره از ماست و بالاخره برای نگاهداری فراورده های مختلف اشاره کرد .

گاهی از قطعات پوست که دورتادوران در فواصل معینی سوراخ شده و تسمه هائی از پوست و یا پشم و مو به آن متصل است به عنوان کفش استفاده می کنند

که اصطلاح محلی آن کاله است. کاله فقط در برف مورد استفاده دارد و مستقیماً بر روی جورابه‌های پشمی ضخیم و ساقه بلند پوشیده می‌شود. همیشه قبل از استفاده برای اینکه کاله نرم و شکل پذیر باشد مدتی آنرا در آب می‌خیسانند.

در اواخر بهار از شاخه‌های جوان درخت بید، سبدهای بزرگ و کوچکی به اشکال متفاوت می‌بافند که مخصوص حمل زباله، کود، علوفه، و فضولات دامی است و در مناطقی که باغهای میوه فراوان است برای حمل میوه مورد استفاده می‌باشد.

یکی دیگر از صنایع دستی مهم منطقه کوزه‌گری است و افراد متخصصی به این کار اشتغال دارند. کوزه‌گری مخصوص زنان روستائی است و مردان در آن دخالت چندانی ندارند. هیچ کارگاه ویژه‌ای در روستاها وجود ندارد. هنگام احتیاج، روستائیان به کوزه‌گر مراجعه نموده و از او برای تهیه وسایل لازم دعوت به عمل می‌آورند. مواد اولیه خاک رس نسبتاً خالص است که به طور پراکنده همه‌جا در منطقه وجود دارد. حمل خاک به عهده صاحب کار و سایر مراحل وسیله‌متخصص انجام می‌شود. گاهی احتیاجات دویا چند خانوار یکجا تهیه می‌شود. وقتی خانواده‌ای در یک روستا از کوزه‌گری دعوت می‌کند، سایر روستائیان نیز از حضور او در دهکده استفاده نموده و به او مراجعه می‌نمایند، مزد کوزه‌گر یا به طور روزانه از تاریخ شروع تا پایان کار، یا به تعداد وسایل ساخته شده خام و یا پخته درخاتمه کار پرداخت می‌شود. پختن کوزه‌های تهیه‌شده را اصطلاحاً کل می‌نامند. سوخت آن تپاله و در محوطه‌های باز روستا انجام می‌شود. شکل و اندازه کوزه‌ها در مناطق مختلف متفاوت است. در مشرق منطقه بیشتر ظروف دهانه گشاد و در مغرب کوزه‌های دهانه تنگ مرسوم است. از مهمترین وسایل: اقسام خمیره‌های بزرگ و متوسط برای نگهداری فراورده‌های دامی، کوزه‌های بزرگ و کوچک دهانه تنگ برای حمل آب، انواع آب‌خوری به اشکال و اندازه‌های مختلف، دیزی و بالاخره ظروف بزرگی برای تهیه خمیر و نگهداری نان را می‌توان نام برد. در سالهای اخیر استفاده از ظروف

سفالی ساخت همدان متداول شده و قسمت زیادی از احتیاجات روستائیان از این راه تأمین می‌شود.

**مبادله** - در گذشته مبادلات محصولاتی که در منطقه تهیه می‌شد بیشتر به صورت جنسی انجام می‌گرفت. اما چون تهیه کلیه احتیاجات روستائی در محل امکان نداشت، حدود دادوستد تا نزدیکترین شهر مجاور گسترش می‌یافت. به علت محدودیت راه‌های ارتباطی و فقدان وسائل حمل و نقل سریع، اغلب احتیاجات سالیانه به صورت دسته‌جمعی و در فصل خاصی فراهم می‌شد. اما امکان این نوع مسافرت برای همه روستائیان ممکن نبود، هر چند عده‌ای از آنان موفق می‌شدند و وسیله روستائیان دیگر قسمتی از احتیاجات خود را تأمین کنند. در چنین شرایطی است که فروشندگان دوره گرد در روستاها با بازار فروش مساعدی روبرو می‌شدند. از میان شهرهای مجاور منطقه، همدان با امکانات بیشتر و تجارت وسیعتر توجه روستائیان را به خود جلب نموده و به صورت قطب تجارتي منطقه درآمد. به همین دلیل اکثریت فروشندگان دوره گرد و یا ثابت منطقه همدانی هستند. به تدریج که امکانات اقتصادی شهرهای سنندج و بیجار افزایش می‌یافت عده‌ای از روستائیان مجاور این شهرها احتیاجات خود را در آنجا تأمین می‌نمودند. اما همدان موقعیت خود را به عنوان مرکز اصلی دادوستد حفظ نمود. شهر زنجان به خاطر موقعیت خاصی که در تهیه بعضی مصنوعات فلزی مورد احتیاج روستائیان دارد، یکی دیگر از مراکز جلب کشاورزان بوده و با وجودیکه در حال حاضر این وسایل در سنندج و بیجار وحتى در قروه تهیه می‌شوند، زنجان همچنان موقعیت خود را حفظ نموده است. مراجعه روستائیان به شهرها، توسعه هر چه بیشتر مراکز تولیدی مربوط به احتیاجات آنان را به دنبال داشته و فعالیت عده زیادی از شهرنشینان را به خود اختصاص داده است که موضوع بحث جداگانه‌ای است. با در نظر گرفتن احتیاجات روزافزون روستائیان هرچند که در مراکز دهستانها وحتى در بیشتر روستاها مراکز خرید و فروش به صورت مغازه‌های مختلف و متعدد دائر شده است اما شهرهای مجاور و

فروشنندگان دوره گرد کم و بیش اهمیت خود را از دست نداده اند. البته هر اندازه این امکانات افزایش یافته به همان نسبت فعالیت دوره گردان و مراجع روستائیان جهت خرید به شهرها کاهش یافته است. اما به دلیل تحول سریع در خطوط ارتباطی و وسایل حمل و نقل، ارتباط کشاورزان با شهرها به آسانی میسر است. لذا با وجودیکه امکان تهیه بسیاری از احتیاجات او در روستا فراهم است، هنگام مراجعه به شهرها جهت انجام کارهای شخصی خریدهای لازم را نیز انجام می دهد.

**الف - نقش فروشندگان همدانی.** همان طور که یادآوری شد چون همدان مرکز اصلی دادوستد روستائیان منطقه مورد تحقیق بود لذا فرآشندگان همدانی به تدریج با در نظر گرفتن احتیاجات کشاورزان نفوذ فراوانی کسب نموده و حیات اقتصادی منطقه را در اختیار گرفتند. برای حفظ این موقعیت و برای جلوگیری از نفوذ تجار سنجی و بیجاری که در فواصل نزدیکتری قرار گرفته و پیوندهای اجتماعی مشترکی داشتند، نمایندگان تجار همدانی به صورت فروشندگان دوره گرد در سراسر منطقه پراکنده شده و در دورافتاده ترین روستاها با کشاورزان وارد معامله شدند. فروشندگان همدانی برای تحکیم موضع تجارتنی خود پارافراتر نهاد و یادادن قرض و پیش خرید محصولات آنان، امکان هر نوع داد و ستد را بادیگران از روستائیان سلب نموده و با آرامش خاطر به کارتجارت مشغول بودند.

مهمترین محصول مورد توجه فروشندگان، فراورده های دامی شامل: پشم پوست، کره و روغن بود که یا به طور نقد و یا در مقابل جنس معامله می شد. تجار همدانی به تدریج مناطق تحت نفوذ خود را مشخص ساخته و حتی گاهی برای توسعه بازار فروش شخصی به رقابت می پرداختند. به علت احتیاج و فقر نسبی روستائیان، فروشندگان، بیشتر محصولات آنان را با قیمت بسیار کم و یا ور نکردنی پیش خرید نموده و در مقابل گاهی اجناس مورد لزوم آنان را با چند برابر قیمت در اختیارشان قرار می دادند. اگر به هر علت میزان محصولات دامی یک کشاورز کمتر از اندازه پیش بینی شده بود، روستائی ناچار بقیه دین خود را می بایست از محصول

غلات و حبوبات پردازد. بنابراین هنگام خرمن برداری علاوه بر نماینده مالک سابق، فروشندگان دوره گرد نیز حضور داشته و طلب خود را از محصول ناچیز کشاورز برمی داشتند. اغلب میزان محصول اندکی بیش از سهم مالک و فروشندگان همدانی بود، در این صورت کشاورز با بهای بسیار ارزانه تری بقیه طلب فروشندگان را از محصول سال آینده می پرداخت. چون فروشندگان برای حمل اجناس خود از چهارپایان استفاده می کردند، لذا همیشه اجناس سبک وزن و گران قیمت را در روستاها عرضه نموده و بهای آنها به میل خود و با توجه به امکان و احتیاج کشاورز تعیین می نمودند. از مهمترین اقلام مورد احتیاج می توان اقسام پارچه های رنگی، کفش، قند، چای و به ندرت برنج را نام برد. به تدریج با تثبیت وضع فروشندگان در روستاها و گسترش تجارت منطقه ای، خودآنان نیز مراکزی در بخش ها و دهستانها تأسیس نموده و تجارت مستقیم کالاهای منطقه را از اختیار بازرگانان ساکن همدان خارج ساختند. هم زمان با نفوذ بیش از حد این تجار نوخاسته، فروشندگان سنندجی و بیجاری نیز در مناطق مختلف نفوذ و اعتباری کسب نموده ولی هرگز نتوانستند قدرت تجارتهای پیشه وران همدانی را به خطر بیندازند.

دخالت تجار سنندجی و بیجاری از زمانی آغاز شد که وجود وسائل حمل و نقل سریع امکان مسافرت روستائیان مجاور شاهراهها را به شهرهای نزدیک فراهم ساخته و خواه ناخواه در مقابل بیداد فروشندگان همدانی با تجار محلی وارد معامله شدند. هرچند که فروشندگان جدید امکانات بیشتری در اختیار روستائیان قرار دادند اما وابستگی شدید فروشندگان همدانی و آشنائی آنان با خصوصیات اجتماعی کشاورزان مانع بزرگی در راه توسعه نفوذ تجارتهای بازرگانان سنندج و بیجار بود. اولین نتیجه این دخالت بهبود نسبی روابط تجارتهای بین فروشندگان همدانی و کشاورزان به سود طبقه اخیر بود. زیرا در صورت ادامه وضع سابق بدون شک بازار فروش و در نتیجه خرید محصولات روستائیان را به سود رقبای خود از دست می دادند. مسئله قابل توجه حمایت بی دریغ مالکین سابق از فروشندگان است و بازرگانان قسمتی از موفقیت



خود رامدیون این حمایت می‌باشند.

مالکین سابق همیشه باتوجه به میزان درآمد سالیانه می‌بایست قسمتی از محصولات کشاورزی (گندم - جو) را بانرخ ارزان دراختیار اداره غله ونان محل قرار دهند. اما روستائیان در فروش مازاد محصول خود آزادی کامل داشتند و چون نرخ فروش در بازار آزاد بیش از نرخ دولتی است روستائیان فروش آزاد را ترجیح می‌دادند.

به همین جهت همیشه در فصل خرمن تجار گندم ویانمایندگان آنان به مراکز بخش‌ها ویاروستاهای مجاور جاده‌های اصلی هجوم می‌آوردند و غلات وحبوباتی که از طرف روستائیان ازدهات مختلف وسیله چهارپایان به این مناطق حمل می‌شد خریداری نموده وسیله کامیون به شهرهای مختلف برای انبار نمودن و یا فروش می‌فرستادند. در این معاملات نیز تجار همدانی همیشه مقام اول را دارا بوده‌اند. محصولات کشاورزی وداسی منطقه به ترتیب اهمیت در شهرهای همدان، سنندج ویبجار متمرکز شده پس از تأمین مصارف محلی مازاد آن به سایر شهرهای ایران به ویژه تهران ارسال می‌شود.

روستاهای مجاور شهرها به علت سهولت دسترسی به بازارهای شهری وضع دیگری داشتند و مازاد تمام محصولات خود را به آسانی و نرخ مناسب به فروش می‌رسانیدند. گوا اینکه واسطه‌های شهری خواه و ناخواه قسمتی از منافع آنان را جذب می‌نمودند ولی در مقابل روستائی برای فسروش محصولات خود در شهر سرگردان نمی‌شد. در حالیکه سایر روستائیان باشراطی که ذکر آن گذشت فقط امکان فروش قسمتی از محصولات برایشان میسر بود.

به علت فراوانی مرگ و میر دامها، بازار خرید و فروش داخلی برای تأمین حداقل احتیاجات داسی مرسوم و متداول است. دامپروانی که بیشتر در مناطقی کوهستانی زندگی می‌کنند هر سال دراواخر بهار برای خرید دامهای مورد نیاز خود در سراسر منطقه پراکنده شده و پس از تأمین احتیاجات خود به کوهستانهایی که

امکان چرا در تمام فصل تابستان وجود دارد مراجعت می نمایند. ولی دامپروران در اوائل پائیز همراه گله های متعدد و در حال چرا به سوی شهرهای مجاور منطقه سرازیر می شوند. تعدادی از دامداران مناطق غربی و شمالی، دامهای خود را فقط برای فروش در تهران پرورش می دهند. در گذشته چون دامداران مسافت یسن شهرها را پیاده می پیمودند علاوه بر کمبود غذا، فشار راهپیمائی دامها را در شرایط نامساعدی قرار داده و ارزش معمولی آنها را کاهش می داده. اما در حال حاضر دامها با کامیونهای مخصوص حمل شده، به سرعت و متناسب با تقاضا به بازار عرضه می شوند.

### **بعد از اصلاحات ارضی - بعد از اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی به تدریج**

وضع دادوستد و رابطه روستائیان با فروشندگان و خریداران محصولات آنان بر مبنای تازه ای استوار شد. تأسیس شرکت های تعاونی نقطه عطف این تحول است اما چون در همه روستاها شرکت تعاونی وجود ندارد هنوز فروشندگان سابق کم و بیش در این مناطق موقعیت خود را حفظ کرده اند. علاوه بر فروشگاههای شرکت تعاونی، فروشندگان محلی رقبای جدید پیشه وران و دوره گردان سابق همسانی شده اند. امکان ارتباط سریع روستائیان با شهرها، عامل دیگری است که در این تحول تأثیر بسزائی داشته و روز به روز فعالیت فروشندگان دوره گرد محدودتر می شود. بدون شک تأسیس شرکت های تعاونی جدید و شرکت هرچه بیشتر روستائیان در آنها و افزایش سرمایه این شرکت ها به تدریج فعالیت فروشندگان دوره گرد را محدودتر خواهد ساخت.

### **ب- شرکتهای تعاونی - بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی اولین سازمانی**

که با کمک و مساعدت دولت در روستاها تشکیل شد شرکت های تعاونی روستائی است. اما متأسفانه این شرکت ها هنوز نمی توانند جوابگوی احتیاجات روز افزون روستائیان باشند و جای خالی مالکین سابق را پر کنند. عوادل زیادی در این امر دخالت دارند که ذیلاً به مهمترین آنها اشاره می شود.

مهمترین عامل نتایج سیستم مالکیت سابق در منطقه است که در آن مالک فعال مایشاء بوده و کشاورز آلت بی اراده‌ای جهت انجام کارهای او بوده است. دوام این سیستم در قرون اخیر از کشاورز موجودی بی اراده و مظلوم ساخته و قدرت تفکر و تعقل را از او سلب نموده و زندگی را بدون وجود تکیه گاهی برای او تقریباً غیر ممکن ساخته بود. کشاورزی که به اراده مالک احتمالاً همه چیز خود را از دست داده و یا احياناً صاحب حداقل زندگی می شد، اختیاری در جهت بهبود زندگی نداشت و دائماً در انتظار رهنمائی و رهبری و بالاخره تکیه گاهی بود که به کمک او زندگی ساده خود را تأمین کند. این سنت خطرناک چنان بر کشاورز مستولی شده بود که خارج از آن برایش دنیائی وجود نداشت و هنگامیکه اولین مرحله قانون اصلاحات ارضی عملی شد نتایج آن محسوس و آشکار گردید. تأسیس شرکت های تعاونی برای جایگزینی مالک اولین اقدامی بود که دولت در مقابل چنین وضعی به عمل آورد. ولی آیا شرکت تعاونی که اعضاء آن از خود کشاورزان تشکیل شده بود، می توانست جانشین مالک سابق باشد؟ با برداشتی که زارع از مالک سابق داشت، نسبت به جانشین او ولو از میان خود زارعین چه عکس العملی می توانست داشته باشد؟ عدم اطمینان اکثریت زارعین به شرکتهای تعاونی که برگزیده خود آنان بود یکی از عوامل مهم عدم موفقیت کامل آن در مراحل اولیه است. روستائینی که با اجرای قانون اصلاحات ارضی از قید اسارت مالکین رها شده بودند طبیعتاً از دستورات جانشینان مالک و لودر صلاح خود آنان سرپیچی می نمودند و به عبارت دیگر از آزادی کسب شده سوء استفاده می کردند. در مذاکرات زیادی که با اعضاء شرکت های تعاونی از نزدیک به عمل آمد از عدم همکاری روستائیان شکایت داشتند و متأسفانه شرکت های تعاونی فاقد قدرت اجرائی لازم در به ثمر رسانیدن فعالیت های مثبت خود میباشند. ولی تنها تشکیل شرکتهای تعاونی کافی نیست بلکه دولت باید با حداکثر امکانات شرکت را تا آن مرحله هدایت و تقویت نماید که بتوانند در شرایط موجود جای خالی مالکین سابق را پر کنند و شرکتها به نوبه خود با برنامه های صحیح، همکاری و

اطمینان روستائیان را نسبت به خود جلب نمایند. پائین بودن سطح فرهنگ عمومی و نتایج روش مالکین سابق هنوز مانع اصلی همکاری های لازم بین روستائیان است. نگارنده با کشاورزانی برخورد و گفتگو داشته که به محض دریافت سند مالکیت، خود را جانشین مالک سابق فرض نموده، اعمال و رفتاری که مالکین سابق نسبت به آنان روا داشته اند، در مورد دیگران انجام می دهند. گاهی این تقلید خطرناک به آنجایی رسد که کشاورز سابق و خورده مالک کنونی تمام امکانات کشاورزی موجود مانند زمین، آب و حتی نیروی کار خود را به ارزان در اختیار سودجویان شهری که به طمع صید ماهی از آب گل آلود به روستاها سرازیر شده اند می نهد و فقط به این مسئله دل خوش دارد که چون مالکین سابق، قسمتی از محصولات بدون زحمت در اختیار او خواهد بود. خوشبختانه اکثریت زارعین در منطقه مورد تحقیق به تدریج بر مشکلات ناشی از شرایط محیط فائق آمده و اشتباهات گذشته خود را درک کرده اند ولی هنوز آنطور که باید نیروی آنان در جهت پیشرفت و پیشبرد منافع عمومی هدایت نشده است. مسئله مهم دیگر توقع بیش از حد زارع از دستگاههای مسئول است. بیشتر زارعین انتظار دارند که دولت و یا حداقل شرکتهای تعاونی مشکلات آنان را حل و فصل نموده و فعالیت های دسته جمعی را که خود باید به وجود آورنده آن باشند از دیگران توقع دارند!

در گفتگوهای مفصلی که با آنان در روستاهای مختلف دست می داد، انتظار بیش از حدشان از دستگاههای مسئول به خوبی احساس می شد. بنابراین لازم است دولت با برنامه های مفصلی کشاورزان را با حدود مسئولیت و فعالیت هایشان در امر تعاون روستائی آشنا سازد. می دانیم عوامل مهمی که کشاورزان را به عضویت در شرکتهای تعاونی علاقه مند می سازد، کمکهای مادی است که در موارد لزوم در اختیار آنان قرار می گیرد. مالک سابق با وجود خصوصیات شناخته شده اش، هنگام خشکسالی و یا در ماندگی زارع، حداقل احتیاجات او را بدون مشکلات زیاد تأمین می کرد (البته کمکهای مالک از محصولات کشاورزی سال بعد زارع برداشت می شد).

حال با توجه به اینکه در منطقه مورد تحقیق زندگی روستائیان متکی به کشت دیم است و با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه که امکان سالهای خشک به طور متوالی و با متناوب وجود دارد. آیا دولت در صورت وقوع خشکسالی می تواند به سرعت و به اندازه کافی احتیاجات کشاورزان را تأمین کند؟ مسئله ای که به طور غیر مستقیم در تشدید این مشکل دخالت دارد کمک های بدون شرط و نقدی بانک کشاورزی است. زیرا روستائیان با خرید اشیاء غیر ضروری هم امکانات مادی خود را محدود ساخته و هم حدود سرمایه هائی که ممکن است در مواقع لزوم احتیاجات ضروری تری را مرتفع سازد کاهش می دهند. آیا در چنین شرایطی اگر دولت با اطلاع از احتیاجات ضروری کشاورز و برای جلوگیری از هزینه های غیر لازم، بیشتر کمک های جنسی در اختیار او بگذارد مفید تر نخواهد بود؟ البته شرکتهای تعاونی روستائی با توجه به میزان سرمایه به تدریج مقام خود را در روستاها بدست می آورند و با تهیه احتیاجات اولیه کشاورزان مانند وسائل مقدماتی کشاورزی و قند چای، نفت و... کمک بسیار زیادی به روستائیان می نماید ولی توقع روستائی بالاتر از آنست که فعلا به این امکانات قناعت کند. مسئله ای که از لحاظ اجتماعی هنوز به طور مستقیم و با غیر مستقیم مورد تأیید روستائیان قرار نگرفته وجود مالکین سابق بصورت کشاورزان فعلی است که با در اختیار داشتن بهترین زمینها و بالاترین مقدار آب و توانائی استفاده بیشتر از این امکانات، هنوز احساس بدبینی های گذشته را در کشاورز زنده نگاه می دارد و روستائی نمی تواند او را مانند سایر کشاورزان در جامعه جوان خود بپذیرد. البته مسائل دیگری را باید به مشکلات بالا اضافه کرد که در این بحث جای گفتگو درباره آن نیست و همانطور که قبلا گفته شد به یادآوری اهم مطالب اکتفا می شود.

بندرت در یک روستا ساختمان جداگانه ای جهت شرکت تعاونی ساخته شده، بلکه در بیشتر موارد از خانه کداحدا و یا یکی از معتمدین روستا به عنوان محل کار شرکت استفاده می شود. چون یکی از مسئولیتهای شرکت

تهیه احتیاجات اولیه و ضروری روستا است بنابراین انبار و فروشگاه‌های نیز وابسته به آن وجود دارد که در صورت امکان ساختمان جداگانه‌ای برای آن بنا شده و یا در یکی از ساختمانهای روستائی استقرار یافته است. شکی نیست که هر اندازه وسعت مالی شرکت افزایش یابد دست دوره گردانی که همه جا از حداکثر درآمد روستائیان به صورت جنس و نقد استفاده می‌برند کوتاه تر خواهد شد، همانطور که هنگام بازدید از منطقه مورد تحقیق طلیعه این جایگزینی مشهود و محسوس بود. ولی نباید فراموش کرد که هنوز حداکثر دادوستد روستائیان خارج از دسترس شرکتهای تعاونی است. از طرف دولت اقداماتی صورت گرفته که امکانات شرکتهای تعاونی وسعت بیشتری یابد و فراورده‌های کشاورزی و صنعتی آنان از طریق این شرکتهای و به ویژه با تأسیس نمایشگاه‌هایی بدون واسطه در دسترس مصرف‌کننده قرار گیرد.

پایان

